

فرهنگهای دوزبانه

(فارسی - فرانسه، فرانسه - فارسی)*

ع. روح بخشان

(۱) مدخل

این معنی است. با رسیدن اسلام به ایران و افزایش تماس ایرانیان با اعراب و اشاعه فرهنگ اسلامی، ضرورت تدوین فرهنگ بیشتر شد و اندک اندک به صورت يك سنت پابرجا و استوار درآمد که نگاهی به الفهرست ابن ندیم (متوفی در حدود ۳۹۰ هـ.ق) اشاعه زودرس و دامنه وسیع آن را نشان می دهد. دکتر محمد دبیر سیاقی در مقدمه بخش اول از کتاب فرهنگهای فارسی (تهران، اسپرک، ۱۳۶۸، ۴۹۹ ص)، با استناد به قول ابن ندیم کتاب لغت ابو عیسی بن علی بن عیسی بن داود الجراح (۲۴۵ تا ۳۳۴ هـ.ق) را از قدیم ترین کتابهای لغت فارسی دانسته است که البته جز نام، اثری از آن باز نمانده است و لذا ظاهراً کهن ترین فرهنگ لغت فارسی که از گزند حوادث در امان مانده و به دست ما رسیده است همانا لغت فرس معروف اسدی طوسی (متوفی در ۴۶۵ هـ.ق) است.

اما در اینجا از پرداختن به این جزئیات خودداری می کنیم، زیرا که تدوین تاریخ همه فرهنگهای لغت دوزبانه فارسی به يك زبان دیگر، و برعکس، مستلزم تحقیقی بس وسیعتر از این گزارش اجمالی است؛ حتی تحقیق ارجمند و نسبتاً پرمایه دکتر محمد دبیر سیاقی فقط وجهی از آن را نشان می دهد. به همین دلیل در اینجا به بررسی فرهنگهای دوزبانه فارسی - فرانسه و فرانسه - فارسی، آن هم فرهنگهای چاپ شده، اکتفا می کنیم و گفت و گو از فرهنگهای خطی و چاپ نشده را به وقتی دیگر وا می گذاریم. اما پیش از آن، یادآوری چند نکته ضرورت دارد.

نخست اینکه صرف نظر از سابقه نسبتاً دراز تألیف فرهنگهای فارسی - عربی و عربی - فارسی، تألیف فرهنگ دویا چند زبانه به فارسی و زبانهای اروپایی نیز سابقه چند صدساله دارد که کتاب لغت سه زبانه فارسی - لاتینی - رومی (= ایتالیایی) مورخ ۷۰۳ هـ.ق (در حدود ۲۰ سال قبل از تولد خواجه حافظ) و کتاب لغت سه زبانه فارسی - کومن [قومن] - لاتینی مورخ ۷۲۴ یا ۷۲۵ هـ.ق (مقارن کودکی خواجه)، هم گواه این سابقه است و هم نشانه رونق زبان فارسی در اروپای آن روزگار. و چون تفصیل این نکته

هرگاه دو تن، که زبان و فرهنگ متفاوت دارند، به هم می رسند برای برقراری ارتباط و گفت و شنود با یکدیگر به شخص سومی نیاز پیدا می کنند که به هر دوزبان یا فرهنگ آشنا باشد و گفته های هر يك را به زبان فرد دیگر برگرداند و معمولاً او را "ترجمان" یا "مترجم" می نامند. اما از آنجا که مترجم همیشه در دسترس نیست، و اگر هم باشد گاه کارآیی و کاربرد لازم را ندارد، باید ابزاری دیگر به جای او به کار گرفته شود که طبعاً جز فرهنگ یا کتاب لغت دوزبانه چیزی دیگر نیست. به همین سبب است که سابقه تدوین فرهنگ لغت به قدمت تماسهای انسانهای مختلف اللسان است، یعنی به سرآغاز درازنای تاریخ می رسد.

تدوین فرهنگ در طول تاریخ به صورتهای مختلف انجام گرفته است که رایج ترینشان فرهنگهای دوزبانه بوده است. این امر علی الخصوص در کشورهای مثل ایران که در طول تاریخ خود همواره چهارراه حوادث و محل تاخت و تاز و برخورد اقوام و فرهنگهای متفاوت بوده اند، زودتر از دیگر جاها آغاز شده است، و در واقع اگر بخواهیم به سر منشأ آن برسیم باید تا زمان ابداع خط به عقب بازگردیم.

چند تن از استادان زبان شناس و مورخ دانشگاه لیون (فرانسه) ضمن تحقیقی درباره «سر منشأ واژگان نگاری: نخستین فرهنگهای تک زبانه و دوزبانه»، نوشته اند که: «بر حسب رأی که در ادبیات تاریخی کاملاً و وسیعاً رواج دارد، مردم اکد از سال ۲۶۰۰ پیش از میلاد فرهنگهایی تهیه کرده بودند تا دستیابی به زبان سومری را تسهیل کنند»^۱ در مورد ایران باید گفت که وجود تماس و رابطه با چین و هند در سمت شرق؛ و سومر، اکد و بابل و میانرودان در غرب، و نیز وجود سنگ نوشته های دوزبانه و سه زبانه، همچون کتیبه بیستون، ما را نسبت به وجود فرهنگهای متناسب با آن زبانها که در ۲۵۰۰ سال پیش مورد استفاده دربار و طبقه اشراف بوده اند، متقاعد می کند. این سنت، با رونق فرهنگ یونانی و برآمدن اشکانیان، ادامه یافت و در روزگار ساسانیان رونق گرفت؛ متون بازمانده از آن روزگار، مثل کلیله و دمنه، گواه

در جای دیگر آمده است،^۲ در اینجا از دراز سخنی پرهیزی می‌شود. دوم اینکه اطلاعاتی در دست است که حکایت از آشنایی کمابیش ایرانیان، علی‌الخصوص منشیان دربارها با زبان فرانسه از اوایل عهد مغول دارند. وجود کلمات «فرنگی» در تاریخ جهانگشای جوینی که در آنجا مثلاً نام کشور فرانسه ظاهراً اولین بار به صورت «افرنس» ضبط شده است، و نیز بخشی از جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، با عنوان «تاریخ فرنگ» که تألیف آن در سال ۷۱۰ هـ ق خاتمه پذیرفته است، از نشانه‌های این آشنایی است.

سوم اینکه، چنانکه در جای دیگر متذکر شده‌ایم^۳، آموزش و در واقع یادگیری زبان فرانسه در ایران از قبل از سال ۱۰۶۰ هـ ق با راهبایی کشیشی فرانسوی به نام رافائل دومان، در مقام مترجم و آموزگار، به دربار شاه عباس به صورت تقریباً «رسمی» در آمده بوده است.

چهارم، و بالأخره اینکه در پرتو تحقیق پرمایه و بسیار وسیع و دقیق فرانسیس ریشار / Francis Richard، کتابدار کتابخانه ملی فرانسه، که جلد اول آن با عنوان فهرست نسخه‌های خطی فارسی مخزن قدیم کتابخانه ملی فرانسه چاپ شده است (پاریس، ۱۹۸۹)، می‌توان به سرآغاز زمان تألیف فرهنگهای دوزبانه فرانسه- فارسی که به عصر صفوی می‌رسد، رسید. این کار بر اثر آشوبهای زمانه متوقف شد تا در روزگار ناصرالدین شاه که دگر باره رونق گرفت و وجود تقریباً ده نسخه خطی فرهنگ لغت دوزبانه فقط در کتابخانه ملی، که همه در نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه تألیف شده‌اند، نشانه این رونق و میزان گسترش دامنه آن است.

۲) دسته‌بندی اجمالی

ناگفته پیداست که هنگامی که ایران، در اواسط قرن گذشته به طور کامل آغوش به روی تمدن اروپا گشود- و در این زمینه چندان گفته‌اند و نوشته‌اند که حتی نیازی به اشاره گذرا نیست- طبعاً به کشور فرانسه (که از لحاظ سیاسی نسبت به ایران بی‌نظر و بی‌طمع می‌نمود) و زبان آن- که در آن روزگار نماینده فرهنگ و فرهیختگی و ابزار لازم برای هرگونه تماس و رابطه سیاسی، بازرگانی، فرهنگی و آموزشی بود- روی آورد. در واقع از اوایل عهد قاجار زبان فرانسه در دربار فتحعلی شاه تعلیم داده می‌شد و پس از او شاهان قاجار و وزیران ایشان آشنایی نسبی با این زبان پیدا می‌کردند. آشنایی البته اندک مرحوم میرزا تقی‌خان امیرکبیر با زبان فرانسه مسلم است،^۴ و نیز قطعی است که ناصرالدین شاه به این زبان آشنا بوده و، چنانکه مسافران اروپایی مثل خانم کارلاسرنا (آدمها و آیینها در ایران، ۱۸۷۳ م) و هانری

موزر (سفر به ترکستان و ایران، ۱۸۸۵ م) تصریح کرده‌اند، به این زبان، خجولانه اما درست، سخن می‌گفته است. و حتی برخی از محققان با توجه به ظواهر امر، تألیف يك لغتنامه فرانسه- فارسی را که جلد اول آن از A تا D در ۱۲۹۵ هـ ق در تهران چاپ شده است، به او نسبت می‌دهند.

باری، آنچه مسلم می‌نماید این است که از زمان تألیف اولین فرهنگ لغت در عهد قاجار تا به امروز بیش از ۱۳۰ فرهنگ دوزبانه (فارسی- فرانسه، فرانسه- فارسی) به دست ایرانیان، فرانسویان و غیر ایشان تألیف شده است که فهرست اجمالی آنها بعداً عرضه خواهد شد. این تعدد مانع از آن می‌شود که بررسی جامع و مانعی در مورد همه آنها انجام گیرد، و لذا باید به گزینش مهمترین و رایجترین و دستیابترین آنها قناعت شود. بدیهی است که این فرهنگها را می‌توان از وجوه مختلف (مثلاً عمومی و تخصصی) دسته‌بندی کرد و در هر رده به بررسیهایی از وجوه مختلف (مثلاً میزان تأثیرپذیری و تقلید یا تازگی و نوآوری و غیره) پرداخت که این کار در این مختصر نمی‌گنجد.

ناگفته نماند که تدوین فرهنگهای تخصصی از همان زمان که علوم و فنون اروپای قرن نوزدهم به ایران راه یافت، توجه علاقه‌مندان و متخصصان را جلب کرد. نخستین و مهمترین این دسته از فرهنگها فرهنگ اصطلاحات پزشکی- دارویی و انسان‌شناسی فرانسه- فارسی یوهان شلیمر فلاندري است که در ۱۲۹۱ در تهران چاپ شده و چاپ سوم آن به همت استاد ایرج افشار در سال ۱۳۴۹ ش در سلسله انتشارات دانشگاه تهران انتشار یافته است. این فرهنگ نه تنها سرمشق و راهنمای تدوین فرهنگهای تخصصی مابعد بوده، بلکه یکی از مهمترین منابع

حاشیه:

* این نوشته روایت اندک متفاوت گزارشی است به زبان فرانسه که در مجله لقمان (نشریه مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه)، سال یازدهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۴ چاپ می‌شود. در تدوین آن سرکار خانم ناصح و آقایان محمد مهدی فولادوند، حسن هاشمی میناباد و ابوالحسن نجفی منابعی در اختیار نگارنده نهاده‌اند که بدون آنها حتی تدارک این کار ناممکن می‌بود. سپاس از ایشان حقی گران بر گردن نگارنده است.

1) Claude Boisson, Pablo Kirtchuk, Henri Béjoint. «Aux origines de la lexicographie: Les premiers dictionnaires monolingues et bilingues», *International Journal of Lexicography*, Vol. 4, No. 4 (1991), Oxford University Press, pp. 261-315.

۲) ع. روح بخشان. «سابقه و تاریخچه زبان فارسی در اروپا»، پیام کتابخانه، س ۱، ش ۱ (تابستان ۱۳۷۰)، ص ۱۱۶ تا ۱۲۳.
۳) نگاه کنید به مقاله «آموزش زبان فرانسه در ایران» (به زبان فرانسه)، لقمان، س ۳، ش ۲ (بهار و تابستان ۱۳۶۶)، ص ۲۳ تا ۳۱.
۴) در این مورد بنگرید به «فهرست چند کلمه فرانسه مضبوط در مکانبات امیرکبیر»... همان، ص ۵۳ و ۵۴.

تدوین فرهنگهای عمومی پس از خود نیز بوده است.

این فرهنگ حاوی ۶۰۰۰ کلمه و اصطلاح فرانسه است که غالباً معادل انگلیسی و آلمانی آنها، و همواره معنای فارسی آنها با آوانویسی کلمات و عبارات فارسی به خط لاتینی ضبط شده است، و گهگاه نیز ملاحظات علمی بر تعاریف افزوده شده است. در واقع این کتاب فقط يك "اصطلاحنامه" که «برای تسهیل کار اعضای هیأت‌های خارجی مقیم ایران در جهت یافتن برخی از کلمات» (مقدمه، ص ۴) فراهم شده است نیست، بلکه به قولی «گنج واژه» ای است حاوی اطلاعات بسیار دقیق درباره زمینه‌های مختلف علوم طبیعی، ریاضی و انسانی آن روزگار که مؤلف آنها را از کتابهای فرنگی، متون فارسی و منابع شفاهی (پزشکان ایرانی و فرنگی و حتی مردم عادی) به دست آورده است. برخی از کلمات فرانسه تعریفی ساده و گاه يك کلمه‌ای دارند، اما برخی دیگر با چندین صفحه توضیح همراهند (مثل dragonneau / "عرق مدنی" یا "بيوك": ۱۲ ص؛ peste / طاعون: ۲۲ ص؛ و éléphantiasis / داء الفيل: ۲۷ ص)، که هر يك از آنها يك درس کامل و مستقل را تشکیل می‌دهد و حاوی تمام اطلاعات پزشکی، تاریخی، جغرافیایی و حتی آماری (در مورد طاعون) موضوع مورد بحث است. بدیهی است که "حکیم فلمنکی" (لقبی که ایرانیان به دکتر شلیمر داده بودند)، افزون بر چند زبان جدید و قدیم اروپایی، به زبانهای ترکی، عربی و فارسی نیز عمیقاً آشنا بوده است و در علوم زمانه تبحر داشته است. به همین دلیل کتاب او هنوز هم اعتبار و مرجعیت خود را حفظ کرده است.

درباره حکیم فلمنکی و زندگانی او چندان چیزی نمی‌دانیم. جز اینکه به نوشته ایرج افشار، او ابتدا برای تحقیق درباره سالك و جذام به سوریه رفته بود، و از آنجا به ایران آمده و در دارالفنون به تدریس پرداخته است. او در سال چاپ کتاب (۱۲۹۱ هـ ق) خود را "معلم قدیم" دارالفنون (تأسیس در ۱۲۶۸) معرفی کرده است، و این نشان می‌دهد که در آن هنگام سالها از اقامت او در ایران می‌گذشته است.

باری از آن پس تا به امروز جمعاً بیش از سی جلد فرهنگ دوزبانه تخصصی در ایران و خارج از ایران چاپ شده است که در این میان سهم عمده از آن پزشکی (۴ جلد)، حقوق (۴ جلد)، و علوم اجتماعی (۳ جلد) است.

۳) فرهنگ نیکلا

دکتر شلیمر و اثر ستایش‌انگیز او را فقط اهل تحقیق می‌شناسند؛ بر همین منوال است حال ژان باتیست نیکلا، کنسول فرانسه در تبریز در عهد محمدشاه و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه که يك فرهنگ فرانسه-فارسی (۲ جلد، ۷۹۰+۹۲۴ ص) تألیف کرده

است و صاحب يك فرهنگ فارسی-فرانسه نیز شمرده می‌شود. درباره احوال نیکلای کنسول هم چندان چیزی نمی‌دانیم جز اینکه در سال ۱۸۸۵/۱۳۰۳ هـ ق که فرهنگ فرانسه-فارسی او برای اول بار چاپ شده، دیگر در قید حیات نبوده است و سالها پیش از آن در گذشته بوده است، زیرا که در عنوان فهرست نسخه‌های خطی نفیس فارسی کتابخانه... او که در ۱۸۷۷/۱۲۹۴ هـ ق در پاریس چاپ شده است از او با صفت "فقید" یاد می‌شود. علاوه بر این در مقدمه چاپ اول کتاب تصریح شده است که «تنها فرانسوی که بر تمامی لطافتها و ظرافتها و نازکیها و باریکیهای زبان فارسی کاملاً مسلط شده است و در طی اقامت سی ساله خود [در ایران] توانسته است رمز و راز این زبان را چنانکه باید دریابد، درک کند و به ژرف‌ترین وجه در آن نفوذ نماید... همانا ژان باتیست نیکلاست» (ص ۸).

در واقع نیکلا را می‌توان پیشاهنگ فرهنگ نویسان دوزبانه فرانسه-فارسی دانست و غالب ایشان به این امتیاز اذعان داشته‌اند، بی‌آنکه اعتراف کنند که غالب مواد کار خود را از کتاب او برگرفته‌اند. نیکلا هم، مانند شلیمر، پس از ضبط صورت فرانسه کلمه و تعیین نوع آن- که تا به امروز همچنان رعایت می‌شود- معادلهای فارسی را با ضبط آوانویسی به خط لاتینی به دست می‌دهد، هرچند که شیوه‌ای که در پیش گرفته بوده است امروزه دیگر کارایی ندارد.

نکته‌ای که درباره این فرهنگ درخور یادآوری است موضوعی است که محمد مشیری در مقدمه آخرین چاپ آن (۱۳۴۹، تهران) مطرح کرده است که چون حکایت از يك "سرقت ادبی" ظاهراً تخیلی دارد، ذکر آن خالی از فایده نیست. محمد مشیری نوشته است: «در حین چاپ این فرهنگ، کتابی به نام شرح حال رجال ایران، نگارش مهدی بامداد، انتشار یافت که در صفحه ۳۴۹ جلد چهارم آن ضمن شرح حالی که از شاعری به نام نصرالله بهار شیروانی آورده، مضمونی به شرح زیر مندرج است: «... بهار شیروانی در مشهد منزل پدر ملك الشعراى بهار دیوانش جا می‌ماند و به دست ملك الشعراى می‌رسد که در آن وقت بچه بوده و بعداً خود را به نام بهار می‌نامد و از دیوان بهار شیروانی و تخلص او استفاده می‌کند... [بهار شیروانی پس از آن] از خراسان باز به تبریز می‌رود و منشی قنصلگری فرانسه می‌شود و کتابی در لغت فارسی به فرانسه در دو جلد می‌نویسد. قنصل، از وی به ثمن بخش خریده و به فرانسه فرستاده به طبع می‌رساند به اسم خود، و نام آن کتاب را لغت نیکلا می‌نهد...». مهدی بامداد مأخذ خود را نسخه خطی مدینه‌الادب عبرت نائینی، موجود در کتابخانه مجلس ذکر کرده است، و محمود فرخ خراسانی که آن نسخه را دیده در حاشیه آن، ضمن تأیید شاعری ملك الشعراى و

نقل داستانی از آن، نوشته است: «معلوم نیست به چه دلیل بهار شیروانی دیوان خود را به خانه مرحوم صبوری [پدر ملك الشعرا]، که هیچ وقت آنجا نبوده، گذاشته است». از این گذشته بهار شیروانی شخصیتی گمنام و شاعری کم‌مایه بوده است (چنانکه محمدعلی تربیت در کتاب *دانشمندان آذربایجان فقط يك سطر در احوال او نوشته است*) و معلوم نیست که کی و چگونه فرانسه آموخته و در آن چندان تبحر یافته بوده که قادر به تألیف کتاب لغت، آن هم با آن تفصیل که گفته آمد، شده است. وانگهی، چنانکه دیدیم، ژان نیکلا به طور قطع قبل از سال ۱۲۹۴ هـ ق در گذشته است و لغت او در حدود ده سال پس از فوتش به چاپ رسیده است. افزون بر اینها، همان گونه که در مقدمه فرانسه چاپ اول کتاب آمده است، چند تن از ایرانیان صاحب نام و با فرهنگ آن روزگار که به فرانسه آشنایی کامل داشته‌اند مثلاً حسنعلی خان گروسی امیر نظام، بر تدوین و چاپ کتاب نظارت کرده‌اند. و بالأخره اینکه نیکلا، خیلی پیش از آنکه فرهنگش به چاپ برسد کتابی به نام *مکالمات فرانسوی-فارسی* (۱۸۵۷) و نیز ترجمه فرانسه رباعیات خیام (۱۸۶۳) و بخشی از بوستان (۱۸۶۹) را منتشر کرده بوده است.

آخرین نکته در این زمینه این است که مؤلفان ایرانی که فرهنگ دوزبانه تدوین کرده‌اند، جز یکی دو تن، کمترین اشاره‌ای به آثار قبل از خود و زحمات مؤلفان ایرانی سلف نکرده‌اند، از مؤلفان فرانسوی هم به ندرت نام برده‌اند و عموماً تألیف خود را همچون يك اثر ابتکاری و بی سابقه قلمداد کرده‌اند. ظاهراً اول کسی که از نیکلا نام برده است سعید نفیسی (۱۳۰۸ هـ ش) است که فقط نام «کتاب لغت فرانسوی-فارسی نیکلا» را ذکر کرده است و محمدرضا پارسایار که آخرین فرهنگ فرانسه-فارسی (تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲) را تدوین نموده، تأکید کرده است که «فرهنگ حاضر نخستین فرهنگ فرانسه به فارسی است که در آن تلفظ کامل و صحیح همه واژه‌ها ضبط شده است و برای آوانویسی تلفظها از الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) استفاده شده است» (پیشگفتار، شش)؛ بی آنکه عنایت کند که گذشتگان درصد و چند سال پیش برای آوانگاری کلمات فارسی چه زحمتهای کشیده‌اند و چه مباحثات داغ و مکاتبات طولانی داشته‌اند. در این میان رفتار محمدمهدی فولادوند کمابیش علمی و متصفانه می‌نماید. به عقیده او:

نخستین فرهنگ فرانسه به فارسی در حقیقت همان فرهنگ مسیو «نیکلا» کنسول سابق فرانسه در ایران است که به سال ۱۸۸۵ میلادی چاپ شد. این کتاب که نسخه‌های آن نایاب شده بود در سال ۱۳۴۸ خورشیدی، به طریقه اُفست، به وسیله آقای محمد مشیری در تهران به طبع رسید. فرهنگ نیکلا در حقیقت، ده سال پس [کذا، صحیح: پیش] از قتل ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ هـ ق مطابق ۱۸۹۵ میلادی) چاپ شده و

مترجم آن همان کسی است که انبوه دره‌می از رباعیات منسوب به عمر خیام را ترجمه و طبع کرده است. فعلاً فرهنگ مزبور، چندان درخور استفاده نیست و صرف نظر از ارزش تاریخی-در روابط میان ایران و فرانسه-از رجوع به آن نتیجه‌ای عاید مراجعه‌کننده نمی‌شود و در هر صفحه آن اغلاط غریبی به چشم می‌خورد... فرهنگ فرانسه به فارسی دیگری که در حدود همان سنوات نوشته شده و کمی کوچکتر از فرهنگ نیکلاست لغت نامۀ «کازیمیرسکی» عربی‌دان معروف است. ولی برخلاف فرهنگ قطور و ارزشمند «عربی به فرانسه» او که از مراجع همیشگی قابل استفاده است فرهنگ فرانسه به فارسی او چندان مشکل‌گشا نیست و ظاهراً کازیمیرسکی اقامت چندان طولانی در ایران نداشته است.

در اینجا لازم است که نگارنده اشاره کوتاهی نیز به فرهنگهای ارزشمند فارسی به فرانسه «دمزن» که در اواخر قرن نوزدهم (کذا) در «رم» به چاپ رسیده کرده باشم. این فرهنگ از لحاظ حجم در حقیقت چند برابر فرهنگ فارسی «معلم» از انتشارات «امیرکبیر» است. فرهنگ غفاری و لغت نامه‌های حقوقی را نیز نباید نادیده گرفت ولی فعلاً قصد ما این است که بدانیم نخستین فرهنگ معتبر «فرانسه به فارسی» کدام دیکسیونر بوده است؟

به عقیده نگارنده قدیمترین فرهنگ معتبری که در هزار و صد صفحه و شامل پنجاه هزار لغت در ایران-حدود هشتاد سال پیش- به چاپ رسیده کتابی است که به وسیله شادروان دکتر محمود علی‌زاده در ۱۹۱۱ در تهران- در يك چاپخانه روسی- حروف چینی و به چاپ رسیده و نسخه‌ای از این فرهنگ نایاب نزد اینجانب موجود است و حقا جای آن دارد که ناشر یا مرد ادب دوستی آن را مجدداً به طبع رساند تا مردم فرانسه‌دان ایران بدانند در هشتاد سال قبل مترجمان ایرانی لغات فرانسه را چگونه به فارسی برمی‌گردانده‌اند و برداشت آنها چگونه بوده... این فرهنگ هنوز درخور استفاده است و عجیب آن است که بسیاری از تعبیرات یا ترجمه‌های غلط... در این کتاب راه نیافته است و معلوم می‌شود که نسخ این کتاب از پنجاه سال پیش نایاب شده بوده است و مؤلفان فرهنگهای جدیدتر همه نتوانسته‌اند از این مرجع ارزشمند استفاده کنند.

در واقع فرهنگ فرانسه - فارسی کازیمیرسکی که از جهات بسیار در خور توجه است، در ایران، جز در میان اهل فن، ناشناخته مانده است. این کتاب، اول بار در ۱۳۰۱ هـ ق با عنوان *واژگان فرانسه - فارسی* در پاریس به چاپ رسیده است و بعد در ۱۳۵۴ در بیروت و در ۱۳۶۳ در تهران به طریق اُفست تجدید چاپ شده است. اگر حجم آن در مقایسه با مثلاً فرهنگ نیکلا کم است به دو سبب است: اول آنکه فاقد آوانویسی لاتینی کلمات و عبارات فارسی است (که فی الواقع خیلی جاگیر است)، و دوم آنکه بر خلاف فرهنگ یک ستونی نیکلا هر صفحه آن دارای دو ستون است.

باری از نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه به بعد فرهنگ‌نگاری در ایران، و حتی در خارج، رونق می‌گیرد چندانکه خود «قبله عالم» هم فرهنگ می‌نویسد- یا در واقع می‌نویسند!

فرهنگستان، که هنوز هم کارایی دارد و بیشتر از هر فرهنگ دیگر مورد استفاده است.

۴) فرهنگهای "عجیب" و منظوم

وارسی فرهنگهای دوزبانه گاه به کشف چیزهای جالب توجه می‌انجامد. یکی از آنها فرهنگ فخری یا قسمت اول از «کلید دانش» (تبریز، ۱۳۳۷ هـ.ق، ۱۱۶۵ ص) است در قطع جیبی (۹×۱۵۵) که بیش از ۲۰ هزار لغت دارد و اثر میرزا فتح‌خان فخرالاطباء معروف به فخری است. او که در دربار ولیعهد تبریز می‌زیسته است، در مقدمه‌ای کوتاه دلایل اقدام خود را بر شمرده است که چون تصویر عکسی آن عیناً نقل می‌شود، از تکرار آن خودداری می‌کنیم. «قسمت اول» قاموس او یعنی بخش فارسی-فرانسه آن که با «آب» شروع می‌شود و به «بیلاقی» پایان می‌یابد، ظاهراً تفاوتی با فرهنگهای مشابه ندارد، اما ارزش آن در این است که حاوی برخی از کلمات نایاب، فراموش شده یا مهجور فارسی است مانند «پازاج»/ «دایه»؛ «پاغوش»/ «غوطه‌وری»؛ «زاور»/ «حسود»؛ و «نوس»؛ «زاووش»/ «مشری»؛ ژوپیتر... همچنین تعداد قابل توجهی از کلمات فرانسه با صورت فارسی شده در این فرهنگ دیده می‌شود مثل: تلگراف، لامپا، لاتری (شرط بندی و قمار)، لیمون...

دسته دیگر از فرهنگهای جالب توجه "فرهنگهای منظوم" اند که چهار نمونه از آنها را در دست داریم. نخستین آنها يك فرهنگ فارسی-فرانسه [است] با فهرست الفبایی کلمات فرانسه مذکور در متن به منظور تدوین فرهنگ فرانسه-فارسی، همراه با جدول مقایسه‌ای تاریخهای هجری و میلادی که به دست آدولف برژه تدوین شده و بار اول در ۱۸۶۸ در پاریس / لایپزیک / لندن چاپ شده است. درباره مؤلف آن اطلاع چندانی در دست نیست، جز اینکه «رایزن حکومت فرانسه، رئیس کمیسیون باستان‌شناسی فرانسه در قفقاز، عضو انجمن آسیایی پاریس و انجمن شرقی آلمان و صاحب چندین نشان از فرانسه، ایران و مخصوصاً روسیه...» بوده است.

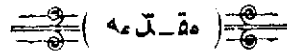
آنچه در کتاب او عجیب می‌نماید عنوان آن است که به عربی است (نه فرانسه یا حتی فارسی): کتاب اللغة الفارسیه و الفرانسویه که لابد هم نشان عربی دانی مؤلف است و هم تفاخر او یا گردن‌گذاری به روش مرسوم در زمانه. کتاب، افزون بر هشت صفحه مقدمه، حاوی سیصدویست و اند صفحه دیگر است یعنی در واقع از ۶۴۵ ستون تشکیل شده است که ۵۰۶ ستون از آنها اصل فرهنگ را با تقریباً ده هزار مدخل تشکیل می‌دهد. مدخلها که از کلمات ساده، مرکب، اصطلاحات و ضرب‌المثلها تشکیل شده است، به عنوان شاهد، با اشعاری همراه است از يك تا چهار

فرهنگ منسوب به ناصرالدین شاه که فرهنگ کوچک جیبی فرانسه-فارسی و نیز فرهنگ "دم دستی" فرانسه-فارسی نام داشته است، حاوی بیش از سی هزار کلمه بوده است که فقط بخش اول آن از A تا D در مجلد اول در ۱۲۹۶ در «چاپخانه همایونی» در تهران به چاپ رسیده است. چونکه تصویر مقدمه این فرهنگ را عیناً چاپ می‌کنیم از نقل مندرجات آن خودداری می‌نماییم، اما برای آگاهی از میزان مقبولیت و رواج این کتاب "شاهانه" همین اندازه یادآور می‌شویم که اولاً مجلدات دیگر این فرهنگ هرگز به چاپ نرسید- زیرا که ظاهراً تألیف نشده بود- و ثانیاً همان مجلد اول هم چندان رواجی نیافت زیرا که فقط اندکی از نخبگان از وجود آن آگاهی یافتند و امروزه نیز فقط اندکی از اهل فن از وجود آن آگاهند.

نکته درخور ذکر در اینجا این است که «مؤتمن السلطان صنیع الدوله» مندرج در دیباچه کتاب همان محمد حسن خان اعتمادالسلطنه معروف است که از نوجوانی برای تحصیل به فرانسه گسیل شد و در دستگاه ناصرالدین شاه به مشاورت و منادمت و وزارت رسید و منشأ تدوین و نیز ترجمه بسیار کتابها شد و در ورود فرهنگ و تمدن فرنگی به ایران و رواج آن نقش عمده داشت. او خود صاحب چند فرهنگ و خودآموز دوزبانه است و در واقع اولین کتاب اصطلاحات فرانسه-فارسی، که در ۱۲۸۰ هـ.ق در تهران چاپ شده، اثر اوست. او همچنین در سال ۱۳۰۱ هـ.ق کتابی فرانسه-فارسی به نام فرهنگ مترادفات در تهران به چاپ رساند که ظاهراً هیچ نسخه‌ای از آن برجا نمانده است.

در طی این دوره شمار فرهنگهای فرانسه-فارسی به حدود صدوسی جلد رسید، که البته تفاوت محتوایی چندانی با یکدیگر نداشتند و فقط شکل و شمایلشان متفاوت بود. در عین حال باید به دو فرهنگ نسبتاً متمایز اشاره کرد. نخست يك فرهنگ فرانسه-فارسی است که در ۱۰۹۱ صفحه به قطع رقعی در چاپخانه اتحادیه تهران چاپ شده است، اما از تاریخ چاپ آن بی‌خبریم. هر صفحه آن دارای دو ستون است و جمعا حاوی نزدیک به ۴۵ هزار کلمه است. بسیار خوب تدوین شده است و حاوی ابتدایی‌ترین و در عین حال تازه‌ترین کلمات و اصطلاحات است. مؤلف آن، که نامش را نمی‌دانیم، قطعاً زبان فرانسه را عمیقاً می‌دانسته است و در زبان فارسی تبحر داشته است، و کوشیده است تا متناسب‌ترین معادلهای فارسی را برای کلمات فرانسه بیابد. معادلهای معمولاً کوتاه، دقیق و "دستچین" شده است. دوم فرهنگ فرانسه-فارسی نورالله گلستانی است که چاپ دوم آن در ۱۳۳۰ و چاپ دوازدهم آن در ۱۳۵۱ منتشر شده است و از آن پس نیز بارها، آشکار و پنهان، به چاپ رسیده است. فرهنگی است فی الواقع "جمع و جور" و حاوی بالغ بر ۴۰ هزار کلمه و نیز برابر نهاده‌های

هو الفتح العليم



اولین وسیله تمایز انسان از دیگر اجسام حیثه
اینست که انسان میتواند مقاصد خود را توسط
نطق و بیان به هم نوعان خویش فهمانیده - صورتات و
خیالات خویش را بمرض شهود آورد.

مبدأ نطق عبارت از کلمات مفرد است که
انسان با قدرت جلیتی که خداوند در هیکل او
ودیعہ گذاشته بوضع آنها موفق گشته و از روی
آن ناموس طبیعی برای هر مقصود نمائنده از
الفاظ معین نموده است.

یکی از اصول موضوعه و علوم متعارفه
فلسفه لغات اینست که مکان و موقع و وضعیت
جغرافیائی بک مملکت در تغییر لهجه و لسان
ساکنین آن مملکت دخالت بسیار داشته و در
سلبه و ترتیب تلفظات آنها اهمیت زیاد دارد.

هو الفتح العليم

این کتابی فرهنگ است که مؤلف از فارسی بفرانسوی
که مستقیماً به منظور اعتدال است و این کتاب
و چند زبان و فریب دهنده آن چند است
میرزا محمد حسین خان مؤلف الذکر
در ذرات الخلاقه طبع این کتاب با اهتمام بنام میرزا
میرزا محمد حسین خان مؤلف الذکر که طبع این کتاب
ذاتیاب سلاله الشادات است و این کتاب
بسیار لطیف و دقیق است و در هر یک از این
و اموزگار است که آن را با دقت فراوان
اندک در داخل و خارج مملکت به نوع مختلف
و هر چه به یافته که به اجازه مؤلف در داخل
و خارج طبع شود و در هر یک از این
و در علم مؤلف به عینه الهی بنام میرزا

این کتاب مقدس همایون شاهنشاه جمعه ناصرالدین شاه
خلد الله ملکه تعزیم عزم نداشتند که توحشات پدران ما طبر
خطیب مبارک را درباره امور متعلقه بفرقی و مدرکات عقلی
حالت خود بجهت اجبر من و مدلا فرمایند
از اینها که در این کتاب صمیمانه مقدس محقق است که علم
و دانش زبان فرانسه از برای معاشرت و مراپنه با دول
و تحصیل علوم جدید نهایت مفید میباشد بنابر مراحل
و الطایف ملوکانه قصد فرمودند که تحصیل این زبان را در بیان
و زبانی خود منتشر و معمول نمایند و خود بنفس نفیس
همایون بذل مساعدت فرموده مجموعه از لغات معموله
کثیر الاستعمال فرانسه را جمع و معانی آنها را بزبان فارسی
نگاشته ببار آخری کتاب لغتی جامع از فرانسه بفراسی
تالیف و تصنیف فرمودند

این مجموعه لغت فرانسه و فارسی که عمده و اولین شان و
باعتبار آن اینست که از صفات ذات ملگونی صفات
همایون است محسنات دیگر را نیز داراست که اگر چه در
نظیر حسن اولین چندان اهم نیست ولی باز در شمار
مهمانست و ما بشد کار آنها برداشته اظهار تمنا مییم که این

مقدمه فرهنگ منسوب به ناصرالدین شاه

صفحه اول مقدمه فرهنگ فارسی - فرانسه میرزا فتح خان

مقدمه فرهنگ منظوم عبدالحمین خان

آمده است. همچنین برخی کلمات در این فرهنگ نقل شده است
که در هیچ مأخذ مکتوب یافت نمی شود و حتی در زبان مردم هم
چندان رواج ندارد مثل "سگیت" از سگ در معنای "بدجنسی". و
بالآخره اینکه مؤلف برای برخی از کلمات فرانسه معادلهای
فارسی جعل کرده است مثل "اردشاهی" برای آرتیشو/
artichaut (کنگر فرنگی) که در هیچ فرهنگ و دایرةالمعارف
فارسی یافت نمی شود.

صرف نظر از اینها باید گفت که مؤلف با متون کهن فارسی
آشنایی کامل داشته است. علاوه بر این «فهرست کلمات
فرانسه» در بالغ بر ۵۰ صفحه سه ستونی و ۶۵۰۰ کلمه کار
ابتکاری در خور توجهی است. اما از اینها مهمتر تدوین «جدول
تطبیقی تاریخ هجری با تاریخ میلادی» است که به سال ۱۳۰۰ هـ
ق تمام می شود و سعید نفیسی، بدون کمترین اشاره ای، آن را
بر گرفته و تکمیل کرده و در ابتدای جلد دوم از فرهنگ فرانسه -
فارسی خود جای داده است. درباره این فرهنگ زیبا که با وجود
چاپهای متعدد نایاب است، بسیار سخن می توان گفت، اما
اختصاراً در اینجا به همین بسنده می شود.

یک فرهنگ واقعاً "منظوم" که در سال ۱۳۲۰ هـ ق چاپ شده
است فرهنگ منظوم فارسی - فرانسوی میرزا عبدالحمین خان
مؤدب الدوله است که به سبک و سیاق نصاب الصبیان ابونصر
فراهی تألیف شده است. و چون علت تألیف این فرهنگ در مقدمه

بیت که البته در تعریف آنها به فرانسه غالباً معنای اول کلمه منظور
بوده است، چنانکه در بیت زیر از حافظ:

تیر عاشق کش ندانم بر دل حافظ که زد
این قدر دانم که از شعر «تر»ش خون می چکد (!)

«تر» را به معنای مرطوب و آب آلود گرفته است نه تازه و مبدعانه.
او در عین حال مردی دانشمند و زباندان بوده و به زبان و ادبیات
فارسی آشنایی عمیق داشته است چنانکه برای کلمه «به تدریج»
بیتی از سعدی نقل کرده است:

مایه عیش آدمی شکم است
تا به تدریج می رود، چه غم است؟

این فرهنگ همچنین حاوی اسامی خاص و اعلام جغرافیایی
است مثل: رستم، اسکندر، فردوسی، ری، کاشان، آذربایجان،
گرجستان که هر اسم با نکاتی در تذکره احوال اشخاص و
اطلاعات جغرافیایی همراه است.

نکته دیگر اینکه بیشتر کلمات و اصطلاحات دارای معادل
فرانسه است، اما برخی از آنها مانند "سرباز"، "صدر"،
"گمرک"، همراه با توضیحاتی است که گاه يك ستون را پر
می کند. همچنین برخی از کلمات به صورت تقریباً عربی خود
ضبط شده است، مانند "اجازت" به جای "اجازه". و نیز برای
برخی دیگر از کلمات فقط يك معنا یا فقط معنای اول ذکر شده
است، مثل «آخوند» که فقط معنای "معلم" برای آن به ضبط در

آن بیان شده است و تصویر عکسی آن چاپ می شود، از نقل آن در اینجا خودداری می ورزیم.

در سال ۱۳۱۸ ش کتابی به نام خرده فرهنگ یا لغت منظوم فارسی و فرانسه در تهران به چاپ رسید که آن هم صورت نصاب الصبیان را دارد. با این تفاوت که مؤلف آن - اسماعیل یکانی که در سال گذشته فوت کرد - در تعریف کلمات فرانسه اصرار بر استعمال کلمات "فارسی سره" داشته است، چنانکه این چند سطر از دیباچه آن نشان می دهد:

بنام ایزد

سیاس کردگاریا: که هیچ کاری را بی بهره و بار نگذارد: چنانکه این نامه ناچیز، خرده فرهنگ، را نیز که بنده نگارنده، سالیانی پیش، برای یاری بنوآموزانی چند از آشنا و خویش به بند بیوند در آورده بود- هنگام آزمایش، چندان سودمند نمود، که برخی از یاران، خودداری از پخش آنرا ستمکاری بر نوباوگان نامیده: باندیشه چاپش گرائیدند.

و بالأخره در سال ۱۳۶۶ به کوشش حسین ثقفی اعزاز کتابی در تهران انتشار یافت با نام: فرهنگ فارسی- فرانسه با شواهد شعری، تألیف دکتر خلیل خان ثقفی اعلم الدوله که با "آ" (پیا) شروع می شود و به «یهود» ختم می گردد. کتاب دارای ۷۲۱ صفحه دوستونی و حاوی جمعاً بالغ بر ده هزار کلمه است. در مقابل هر کلمه معادل فرانسه آن آمده است و در ذیل آن شواهد شعری از يك تا چند بیت...

نمی توان این نگاه اجمالی را بدون اشاره ای هر چند کوتاه به فرهنگ ارجمند و گرانسنگ دِمَزُون (Desmaison) به پایان برد. فرهنگ فارسی- فرانسوی ژان ژاک پی یر دِمَزُون که در چهار جلد و ۳۲۸۴ صفحه به قطع رحلی در سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۴ (۱۳۲۶ تا ۱۳۳۳ هـ. ق) در چاپخانه واتیکان رم به چاپ رسیده است، واقعاً يك "یادمان" زبانی، فرهنگی و حتی تاریخی است که پس از نزدیک به صدسال هنوز هم تازگی و مأخذیت دارد و نه تنها در تدوین هر فرهنگ فارسی- فرانسه، بلکه حتی در تدوین هر نوع فرهنگ فارسی- فارسی نیز باید مورد توجه و رجوع قرار گیرد، هر چند که قدر آن، جز در میان تعدادی انگشت شمار، شناخته نشده است (برای اطلاع از شرح مختصر احوال او به فرهنگهای فارسی، تألیف دکتر دبیر سیاقی، ص ۲۹۸ رجوع شود).

*

خلاصه سخن آنکه از این نگاه اجمالی می توان به تحرك و پویایی يك فعالیت ادبی که با آموزش زبان فرانسه در ایران و ترجمه از فرانسه به فارسی و بالعکس همراه بود، پی برد. بدیهی است که این حرکت فرهنگی و آموزشی، همچون هر فعالیت دیگر، دستخوش بازیهای روزگار بوده و افت و خیزها داشته است که

هر معادی از لغت فرهنگ با معنای مؤلف نباشد
باطل و قانوناً ضبط خواهد شد

Tout exemplaire non revêtu de
ma griffe sera contrefait.

No Signature

صفحه آخر فرهنگ میرزا فتح خان، که حکایت از اولین کوششهای مؤلف ایرانی در جهت حفظ «حق مؤلف» است.

فهرست اجمالی پیوست به خوبی نمایانگر آن است. اما این گزارش بدون گزارشی دیگر در بررسی میزان تأثیر متقابل فرهنگها در یکدیگر، ناتمام خواهد بود، که امید می رود آن نیز در فرصت مناسب تهیه و ارائه شود.

فهرست اجمالی فرهنگهای دوزبانه که در فاصله سالهای ۱۲۸۰ هـ. ق (۱۲۴۲ ش) تا ۱۳۷۲ ش چاپ شده اند.

- ۱۲۸۰: محمدحسن صنیع الدوله، اصطلاحات فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۲۸۵: آدولف برژه، کتاب اللغة الفارسیه والفرانسویه، لایبزیك.
- ۱۲۸۶:، لایبزیك- پاریس.
- ۱۲۸۶: لویی ژان باتیست نیکلا، فرهنگ فارسی- فرانسه، پاریس.
- ۱۲۹۱: یوهان لویی شلیمر، واژگان پزشکی، دارویی، ...، تهران.
- ۱۲۹۴: حسین مقدم، نفع اللسان در لغات (فارسی- فرانسه)، تهران.
- ۱۳۰۱: محمدحسن صنیع الدوله، فرهنگ مترادفات (۲)، تهران.
- ۱۳۰۳: الکساندر ببیرشتاین کازیمیرسکی، واژگان فرانسه- فارسی، پاریس.
- ۱۳۰۳: نیکلا، فرهنگ فرانسه- فارسی، پاریس.
- ۱۳۰۴: علی اکبرخان، فرهنگ فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۲۰: عبدالحسین خان، فرهنگ منظوم فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۲۰:، نصاب فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۲۰: خلیل الله ثقفی، فوائداللغات ناصری (فارسی- فرانسه)، تهران.
- ۱۳۲۱: عبدالحسین خان، فرهنگ لغت برای رشد زبان کودک (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۳: بارون ژاک پی یر دِمَزُون، فرهنگ فارسی- فرانسه (۴ جلد رحلی)، رم.
- ۱۳۲۹: محمود علیزاده، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۳۰: آدولف برژه، ...، لایبزیك.
- ۱۳۳۴: محمود مجتبابی، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۳۵: منوچهر نوری، فرهنگ کامل فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۳۷: میرزا فتح خان فخرالاطبا، فرهنگ فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۳۹: آدولف برژه، ...، پاریس.
- ۱۳۴۰ هـ. ق / ۱۳۰۰ ش: محمود مجتبابی، ...، تهران.
- ۱۳۰۶ ش: سلیمان حییم، فرهنگ فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۰۷: یهودا بروخیم، فرهنگ کوچک فارسی- فرانسه، تهران.

- ۱۳۰۹: حسن اردوبادی، فرهنگ فارسی- فرانسه، تبریز.
- ۱۳۰۹: _____، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۰۹: سعید نفیسی، فرهنگ فرانسه- فارسی (۲ ج)، تهران.
- ۱۳۱۱: یهودا بروخیم،...، تهران.
- ۱۳۱۱: علی اصغر فراسیون، فرهنگ فراسیون (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۱۴: حسن اردوبادی، فرهنگ فرانسه- فارسی، تبریز.
- ۱۳۱۴: _____، فرهنگ فارسی- فرانسه، تبریز.
- ۱۳۱۶: سلیمان حبیب، فرهنگ جدید فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۱۷: مجید یکتایی، فرهنگ فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۱۸: اسماعیل یکانی، خرده فرهنگ (فارسی- فرانسه، منظوم)، تهران.
- ۱۳۱۸: ضرغامی، زرگر، خوشنویسان، فرهنگ نظامی (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۲۲: سید محمدرضا جلالی طباطبایی، فرهنگ قضایی (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۲۳: ن. رات، فرهنگ بازرگانی، اصطلاحات بازاری، یانکی... (فارسی- فرانسه، فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۳۰: محمدعلی ترقی، فرهنگ کوچک فرانسه- فارسی (ج ۳)، تهران.
- ۱۳۳۰: نورالله گلستانی، فرهنگ فرانسه- فارسی (ج ۲)، تهران.
- ۱۳۳۲: مهدی روشن ضمیر، اصطلاحات فرانسه (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۳۳: (؟)، مجموعه اصطلاحات علمی فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۳۵: محمدعلی ترقی،... (ج ۴)، تهران.
- ۱۳۳۷: امیر جلال‌الدین غفاری، فرهنگ فارسی- فرانسه (۸ ج)، تهران.
- ۱۳۳۷: حسینقلی کاتبی، فرهنگ حقوق (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۳۹: سعید نفیسی،...، تهران.
- ۱۳۴۳: محمدعلی ترقی،... (ج ۵)، تهران.
- ۱۳۴۵: شفیع جوادی، لغات و اصطلاحات علمی (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۴۴: علی اصغر سروش، فرهنگ لغات علمی (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۴۵: سلیمان حبیب، فرهنگ کوچک فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۴۴: هدایت‌الله قاطان، فرهنگ فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۴۵: یهودا بروخیم، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۴۵: محمدعلی ترقی، فرهنگ فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۴۶: محمدجعفر جعفری لنگرودی: ترمینولوژی حقوق (فارسی- فرانسه)، تهران.
- ۱۳۴۶: هدایت‌الله قاطان، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۴۶: عنایت‌الله شکیبایور، فرهنگ لغات «موزه»، تهران.
- ۱۳۴۶: محمدعلی ترقی، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۴۷: کاظم سیمجور، واژه‌های دندانتیرشکی (فرانسه- فرانسه)، تهران.
- ۱۳۴۸: مرتضی معلم، فرهنگ فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۴۸: نیکلا،...، تهران.
- ۱۳۴۹: یهودا بروخیم،...، تهران.
- ۱۳۴۹: سلیمان حبیب، فرهنگ فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۵۰: کتاب لغت الکترونیک (فارسی- فرانسه)، تهران.
- ۱۳۵۱: محمدمهدی فولادوند، فرهنگ فرانسه- فارسی برای استفاده خارجیان، تهران.
- ۱۳۵۱: نورالله گلستانی،... (ج ۱۲)، تهران.
- ۱۳۵۱: سعید نفیسی،...، تهران.
- ۱۳۵۲: عبدالحمید ابوالحمد و همکاران: فرهنگ اصطلاحات حقوقی (فارسی- فرانسه)، تهران.
- ۱۳۵۴: ا. ب. کازیمیرسکی،...، بیروت.
- ۱۳۵۴: توماس سووه، فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۵۵: داریوش آشوری، واژگان فلسفه و علوم اجتماعی، تهران.
- ۱۳۵۶: محمد خوانساری، فرهنگ اصطلاحات منطقی (فارسی- فرانسه)، تهران.
- ۱۳۵۶: [انجمن ریاضی ایران]، واژه‌های ریاضی، تهران.
- ۱۳۵۹: مرتضی معلم،...، تهران.
- ۱۳۶۲: ا. ب. کازیمیرسکی،...، تهران.
- ۱۳۶۳: اعتمادیان، فرهنگ جامع فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۶۳: نورالله گلستانی،...، تهران.
- ۱۳۶۳: سعید نفیسی،...، تهران.
- ۱۳۶۳: محمدعلی ترقی، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۶۴: یهودا بروخیم، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۶۴: _____، فرهنگ کوچک فارسی- فرانسه، تهران.
- ۱۳۶۴: سعید نفیسی،...، تهران.
- ۱۳۶۶: سلیم کیمیا: فهرست افعال فرانسه با حروف اضافه، تهران.
- ۱۳۶۷: امیرمسعود خدایار، فرهنگ اصطلاحات مکاتب ادبی، سیاسی،...، تهران.
- ۱۳۶۸: محمدتقی غیائی، فرهنگ کوچک اصطلاحات و ضرب‌المثلها (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۶۹: محمدمهدی فولادوند، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- ۱۳۶۹: ژیلبر لازار، فرهنگ فارسی- فرانسه، پاریس- لندن.
- ۱۳۶۹: _____، تهران.
- ۱۳۷۱: محمدتقی غیائی، فرهنگ زبان کوچ (فرانسه- فارسی)، تهران.
- ۱۳۷۲: محمدرضا پارسایار، فرهنگ معاصر فرانسه- فارسی، تهران.
- چند فرهنگ دیگر که تاریخ انتشار آنها در دست نیست:
- عبدالرحیم انصاری، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- هلال (؟)، فرهنگ هلال (فرانسه- فارسی)، تهران.
- مؤسسه لینگافون، فرهنگ فرانسه- فارسی، تهران.
- احمد پارسا، دارونامه (فرانسه- فارسی)، تهران.
- محمد شاماسیلو، ریشه‌های لغات و اصطلاحات علوم طبیعی (فرانسه- فارسی)، تهران.
- واژگان ضرب‌المثل‌های مجازی (فرانسه- فارسی)، تهران.